

بسمه تعالی



۲۰۲۸

۱۳۸۶/۰۵/۱۸

### ترکیه، الگویی نو در جهان اسلام

تجدید پیروزی **حزب عدالت و توسعه** در انتخابات زودهنگام مجلس ملی ترکیه نشان از تثبیت جایگاه اسلامگرایان در ساختار سیاسی ترکیه دارد. تاکنون، که در حدود ۶ سال از نخستین پیروزی انتخاباتی این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۲ با کسب ۳۴/۴ درصد کل آرا و تشکیل دولت به نخست وزیری «**رجب طیب اردوغان**» می گذرد، اسلامگرایان نشان داده اند که به خوبی از عهده مدیریت یک کشور مدرن برمی آیند و از توانمندی بالایی در اداره امور اقتصادی و سیاسی برخوردارند. بر این پایه، حزب یاد شده توانست در انتخابات اخیر، با کسب ۴۶/۷ درصد کل آرا، ۳۴۰ کرسی از ۵۵۰ کرسی مجلس را به دست آورد.

در این دوران - که غرب با تمام نیرو از یک سو حکومت های ناسالم و غیردموکراتیک خاورمیانه را نماد حکومت اسلامی و از سوی دیگر بنیادگرایان تروریست را نماد مسلمانان معرفی می کند - پیروزی اسلامگرایان مدرن در ترکیه می تواند به عنوان یک الگو در جهان اسلام شناخته شود. تجربه ترکیه در ساختن الگویی نوین از حکومت در جهان اسلام که تعامل دوسویه اسلام و مدرنیته را به نمایش می گذارد، راهبرد دیرینه روشنفکران دینی ایران در صد سال گذشته بوده است. اگرچه هنوز برخی از مسائل مبهم مانده و شکل مطلوب یا آرمانی این الگو قوام نیافته است، تجربه برادران ترک موجی از امید را در میان اسلامگرایان نوگرا در سطح منطقه پدید آورده است. پیش بینی می شود که تلاش های آینده این نحله فکری در همه کشورهای اسلامی بتواند نگرش جهانیان را نسبت به اسلام از یک مکتب خشونت طلب و عقب افتاده به یک مکتب نوگرا و طرفدار صلح تغییر دهد.

**فہضت آزادی ایران**، با گرامی داشتن این تجربه مبارک در کشور همسایه ایران، در این بیانیه به تحلیل علل و عوامل پیروزی «حزب عدالت و توسعه» ترکیه می پردازد. طبیعی است که تجربه گسترش ارزش های سکولاریسم در ترکیه، که گروه های اسلامگرا و لائیک هر دو بر آنها تاکید دارند، می تواند پرسشهای ذهنی بسیاری را درباره

مفهوم سکولاریسم برانگیزد. به نظر می‌رسد که روشنفکران دینی باید بیش از پیش بر روی این مفهوم تامل کرده، زوایای تاریک آن را برای مردم بگشایند.

در طول سالهای رشد و پیشرفت اسلامگرایان در سیستم حکومتی ترکیه، تورم ۱۱۰ درصدی سال ۱۹۸۰، که در سال ۲۰۰۲ به ۴۴/۹ درصد رسیده بود، در دوره نخست ریاست جمهوری آقای طیب اردوغان و حاکمیت حزب عدالت و توسعه به ۷/۷ درصد در سال گذشته رسید و همزمان نرخ رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۵ به ۷/۶ درصد صعود کرد. درآمد سرانه مردم ترکیه، که در سال ۲۰۰۱، برابر ۲۱۲۳ دلار بود، در سال ۲۰۰۶ به ۵۴۷۷ دلار رسید.

توفیق اسلام‌گرایان ترکیه در رشد اقتصادی کشورشان، ایجاد فضای آزاد سیاسی و بهبود کیفی زندگی مردم در دوره پیشین، بی‌تردید در گرایش مردم ترکیه به سوی حزب یادشده در این دوره نیز اثرگذار بوده است. افزایش نرخ رشد اقتصادی و کاهش میزان بدهی‌های خارجی از ۷۸/۴٪ تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۲ به ۴۴/۸٪ در سال ۲۰۰۶ از نقاط قوت مدیریت این حزب اسلامی در دوره پیشین زمامداری آن است. همچنین، نحوه برخورد دولت اسلامگرا با مخالفانش نیز قابل‌تعمق است. یادآور می‌شویم که هیچ روزنامه‌ای در این دوره به علت یا بهانه مخالفت با سیاست‌های دولت توقیف نشد و فعالیت هیچ حزبی نیز به همین دلیل متوقف نگردید، کردها نیز، که تا پیش از آن همواره در تضاد با حکومت بودند، توانستند در مجلس ترکیه دارای فراکسیون شوند. به علت همین شیوه مدیریت، در هیچ دوره‌ای عضو شدن ترکیه در اتحادیه اروپا تا این حد برای ترکها قابل دسترسی نگردیده است.

### سکولاریسم، لایسیسم و اسلامگرایی

به نظر می‌رسد که استفاده از واژه «سکولاریسم» به جای «لایسیسم» در ادبیات سیاسی ایران یک اشتباه سهوی و عمومی است. مفهوم سکولاریسم، که به اوایل دوران مسیحیت در روم بازمی‌گردد، برای نخستین بار در رابطه با تفکیک مالیات امپراتور از مالیات کلیسا مطرح شد. بدین ترتیب، سکولاریسم یک مفهوم سیاسی در ارتباط با قدرت و حکومت بود. در این معنا، سکولاریسم به جدایی نهاد دین (کلیسا) از نهاد حکومت (دولت) اتلاق می‌شود. ریشه این تفکر نیز، به گفته بسیاری از متفکران به حضرت مسیح (ع) که گفته بود: "کار قیصر را به قیصر و کار خدا را به خدا واگذارید"، باز می‌گردد.

اما «لایسیسم» جنبشی بود که پس از قرون وسطی و همزمان با رنسانس آغاز گشت و واکنشی در برابر اختناق مذهبی و تفتیش عقاید در قرون وسطی بود. جنبش لایسیسم بسیار فراتر از حوزه سیاست به نوعی دین زدایی در تمام عرصه‌های اجتماعی پرداخت. این جنبش، علاوه بر جدایی دین و دولت، بر بی‌توجهی نظام‌های سیاسی به مسائل دینی تأکید داشت و به ترویج الحاد رسمی می‌پرداخت. در واقع، این جنبش نوعی دین زدایی از جامعه را در دستور کار خود قرار داد.

همچنین، باید یادآور شد که گسترش مفهوم سکولاریسم از «جدایی نهاد دین از نهاد حکومت» به عبارتی کلی چون «جدایی دین از سیاست» بی معناست. بسیاری از روشنفکران دینی معتقدند که دین را نمی توان از جامعه مدنی حذف کرد.

بنا بر تجربه بشری، باید به یک تفکیک ساختاری و کارکردی میان دین و دولت پرداخت. برخی از فیلسوفان غربی نیز در سال های اخیر بر حضور دین در عرصه عمومی تاکید کرده اند.

با توجه به تعاریف بالا کاملاً روشن است که می توان سکولارها را به دو دسته دیندار و لاییک تقسیم کرد. سکولارهای دیندار در واقع به نوعی سکولاریسم حداقلی در مفهوم جدایی دین و دولت باور دارند، اما بر حضور دین در عرصه عمومی و در حوزه جامعه مدنی تاکید می کنند. سکولارهای لاییک، اما، به تفکیک ساختاری و کارکردی دین و دولت رضایت نداده، دین زدایی را در تمام عرصه های عمومی و اجتماعی دنبال می کنند. در واقع، آنان بیش از آنکه بر مفهوم سیاسی سکولاریسم تاکید داشته باشند، متأثر از جنبش ضد دینی لایسیسم هستند. پیشگفتار بالا گویای این نکته است که در کشور ترکیه، برخلاف اصطلاح رایج در ادبیات سیاسی، اختلافی میان سکولارها و اسلامگرایان وجود ندارد بلکه منازعه ای میان سکولارهای اسلامگرا و سکولارهای لاییک در گرفته است. رجب طیب اردوغان به درستی خود را پایبند به ارزش های سکولار خوانده است چرا که این مفهوم هیچ منافاتی با دیندار بودن و طرفداری از حضور دین در عرصه اجتماع ندارد. عملکرد اسلامگرایان حتی نشان داده است که می توان در سیاست گذاری های عمومی مسائل دینی را نیز در نظر گرفت، بدون آنکه تفکیک ساختاری و کارکردی دین و دولت به خطر افتد یا آسیبی به دموکراسی و حقوق بشر وارد شود. از این زاویه، یک دولت سکولار هم می تواند برخی از نیازهای اجتماعی شهروندان دیندار را در کنار سایر نیازهای عمومی مردم برآورده سازد.

و شاید مناسبترین وجه انتخابات اخیر ترکیه را بتوان رقابت میان سکولارها و لاییک ها دانست، سکولارهایی که بدون داشتن موضع منفی نسبت به دین و تنها در راستای جلوگیری از آلوده شدن گوهر دین به ابزار سیاست، مایلند که مشروعیت دینی را از حکومت و ارکان آن و نیز از قوانین اجتماعی بردارند، با لاییک هایی که برای دین حتی در عرصه خصوصی زندگی مردم نیز جایگاهی قایل نیستند و جهان آرمانی آنها جهانی عاری از هرگونه عقیده دینی است. تجربه کشور ترکیه نشان داد که اسلام سکولار چگونه می تواند در یک فرایند انتخابات آزاد و در یک جامعه دینی از رقیبان قدرتمندش پیشی گیرد.

### سکولاریسم عملی

اما نکته مهمی که در تجربه ترکیه وجود دارد، و روشنفکران دینی ایران باید به آن توجه کنند، استقرار سکولاریسم در نتیجه عمل سیاسی و نه در عرصه نظر است. سکولاریسم عملی نتیجه تعاملات و کنش های سیاسی میان اسلام گرایان و لاییک ها در بیست سال گذشته است. این گونه سکولاریسم پیش از آنکه زائیده نظریه سیاسی باشد از رحم

عملگرایی سیاسی بیرون آمده است. رویکرد تورگوت اوزال به اسلامگرایان زمینه های اولیه حضور احزاب اسلام گرا را در ترکیه فراهم آورد. تجربه دولت ائتلافی نجم الدین اربکان، به عنوان نخستین دولت اسلامگرا، و سپس شکست آن اثر بسیار زیادی بر افرادی چون **طیب اردوغان و عبدالله گل** گذاشت. آنان، که خود روزی از اعضای متعصب احزاب اسلام گرای رفاه و فضیلت بودند، به تدریج در عرصه عمل سیاسی آبدیده شده، راه تعامل و تفاهم با سکولارهای لاییک را یافتند. به باور برخی اندیشه ورزان ایرانی، تحول در مفهوم سکولاریسم و اسلامگرایی در ترکیه بیشتر محصول همکنشی فعالان دو جناح در صحنه و عمل سیاسی بوده است تا تغییر در مبدا و منظر تئوریک. تغییر نگرش تئوریک در ترکیه از بستر کنش سیاسی به دست آمده است، نه به عکس.

رویکرد غیرایدئولوژیک دولت اسلامگرای ترکیه در خلال سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ و نیز توجه و تمرکز آن بر خدمت دادن به مردم، از طریق بهبود وضعیت اقتصادی، بخش مهمی از سکولاریسم عملی اسلامگرایان، که آنان را از هرگونه اتهامی از سوی نظامیان لاییک برکنار می دارد، بوده است. تجربه اسلامگرایان ترک در استقرار سکولاریسم عملی می تواند از سوی روشنفکران دینی ایران مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. در این رابطه، ذکر دست کم دو نکته مفید خواهد بود:

۱- سکولاریسم عملی بدون تساهل و تسامح فرهنگی ناممکن است. بحث تساهل و تسامح فرهنگی در میان روشنفکران و دینداران ایران بحث تازه ای نیست. این بحث کاملاً در چارچوب نظریه اختیار و آزادی در اسلام قابل طرح است.

۲- سکولاریسم عملی در فضای مفاهمه و گفتگو (دیالوگ) ممکن است. از آنجا که در جبهه تقابل اسلامگرایان با سکولارهای لاییک در ترکیه امکان ایجاد گفتگو بیشتر فراهم است، «مفاهمه» میان روشنفکران دینی و مخالفان لاییکشان پیشرفت مناسبی داشته است. اما، در ایران، به این دلیل که سنت گرایان مسلمان قائل به گفتگو و لوازم آن نیستند، مفاهمه و گفتگو صورت نگرفته است. در نتیجه، به نظر می رسد که نخستین گام برای پیشبرد سکولاریسم عملی در ایران کوشش در راستای ایجاد فضای گفتگو و مفاهمه میان روشنفکران دینی و سنت گرایان است.

بستن روزنامه ها و دیگر رسانه های عمومی از سوی محافظه کاران و سنت گرایان و محدود کردن فضای دانشگاه ها که کانون های اصلی بحث و گفتگو درباره مسائل کلان هستند، عمده ترین علل عدم شکل گیری فضای گفتگو و مفاهمه در ایرانند. به نظر می رسد که سنت گرایان در ایران به عمد و تنها در جهت جلوگیری از گفتگوی روشنفکران دینی با جامعه سنتی دست به تحدید رسانه ها و دانشگاه ها زده اند.

مواجهه روشنفکران دینی با لاییک ها در ترکیه بسیار آسان تر از مواجهه آنها با سنت گرایان در ایران است، چرا که لاییک ها به دلیل مشی مدرنشان قائل به عقلانیت و گفتگو هستند اما سنت گرایان ایران چنین گرایشی ندارند. علت ناموفق بودن روشنفکران دینی، یا سکولارهای مسلمان، در ایران در پیشبرد اهدافشان این است که آنان نتوانسته اند در ایجاد گفتگو با سنت گرایان توفیق یابند. شاید بخشی از این ناکامی به ذهنیت غیرمدرن سنت گرایان بازمی گردد، اما بی تردید بخش مهمی از آن به تقابل گرایی روشنفکران ایرانی، که هیچ گونه تعامل و همنشینی با سنت گرایان را

بر نمی‌تابند، ارتباط دارد. تجربه نهضت آزادی ایران نشان داده که تعامل روشنفکران دینی و روحانیت تا چه اندازه در آشنایی این نحله فکری با مفاهیم مدرن موثر بوده است. در برهه‌هایی که روشنفکران جامعه از روحانیت فاصله گرفته‌اند، روحانیت سنتی بیشتر به سوی بنیادگرایی میل کرده است تا به سوی مدرنیته.

از سوی دیگر، همان مشکلی که اسلامگرایان ترکیه با لاییک‌های آن کشور دارند، روشنفکران و نواندیشان دینی ایران نیز با لاییک‌های ایرانی دارند. تنها فرق میان دو مورد این است که لاییک‌ها در ترکیه قدرت را در دست دارند، ولی در ایران فاقد قدرتند. این مسأله البته در وجه نظری اهمیت چندانی ندارد. لاییک‌های ایران (شامل چپ‌ها و لیبرال‌های لاییک) بر این باورند که شعار «اصلاح‌گری دینی» روشنفکران دینی اصولاً بی‌پایه است و دین هیچ نسبتی با آزادی و دموکراسی ندارد. آنان روشنفکران دینی را متهم می‌کنند که تنها با جملات قشنگشان بنیادگرایی دینی را آرایش می‌کنند. با این حال، تلاش صدساله روشنفکران دینی ایران، از سیدجمال‌الدین اسدآبادی گرفته تا بازرگان و شریعتی و سروش این بوده و هست که نشان دهند می‌توان قرائتی از دین را با قرائتی از مدرنیته به گونه‌ای پیوند داد که تعارضی عملی میانشان رخ ندهد. این پیوند همچنین شامل مجموعه ترجمه‌هایی است که زبان دینی را به زبان مدرن و برعکس برمی‌گرداند. حال اگر این عمل پیوند به جای آن که در اتاق‌های جراحی ایران صورت گیرد در ترکیه انجام یافته است، باز هم می‌تواند به عنوان یک نمونه و الگوی موفق مطرح باشد.

تجربه ترکیه تجربه مسلمانانی است که با بکارگیری عقل مدرن چگونگی حفظ دین و افتخار به مسلمان بودن را در دنیای جدید فرا گرفته‌اند و به دیگر مسلمانان نیز می‌آموزند که تا زمانی که در ذهنیتشان تاملی جدی نکنند و بر عقاید دینی‌شان نگاهی دوباره نیندازند و انطباق این اندیشه‌ها بر جهان مدرن را جدی نگیرند، نخواهند توانست مبلغان شایسته‌ای برای دینشان باشند.

به نظر **نهضت آزادی ایران**، اگرچه شرایط فرهنگی - اجتماعی ایران، با پیشینه فرهنگ استبدادی آن، با شرایط ترکیه متفاوت است و این تفاوت‌ها باید در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، و جوه اشتراک دو ملت مسلمان همسایه ایران و ترکیه و دستاوردهای اجتماعی آنان، به ویژه تجربه‌های ارزشمند حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه می‌تواند برای حاکمان و جامعه مدنی ایران، به ویژه احزاب و فعالان سیاسی، آموزنده و راهگشا باشد.

**نهضت آزادی ایران** بار دیگر پیروزی چشمگیر حزب عدالت و توسعه ترکیه را در یک انتخابات آزاد، سالم و رقابتی به دبیرکل حزب عدالت و توسعه و نخست وزیر محترم جمهوری ترکیه و همه اعضا و علاقه‌مندان آن حزب و ملت ترکیه تبریک می‌گوید و برای آنان سعادت، موفقیت و بهروزی بیشتر آرزو می‌کند.

**نهضت آزادی ایران**